



اکران «ترک عمیق» در شرایط جنگی

آرمان زرین کوب، کارگردان «ترک عمیق»: بسیاری از کارگردانان به خاطر جنگ تحمیلی فیلم‌شان را بیرون کشیدند؛ زیر نام‌های مستند فیلم‌شان را در این شرایط به نمایش دریاورند، اما بعدا به ما گفتند فیلم‌تان را بیایورید اکران کنید. این درحالی است که سال‌ها و سانس‌ها را در قبال فیلم ما کم و کمتر کردند. / ایسنا

هالیوود

سر موقع در صحنه حاضر شو تا حرفه‌ای شوی

لیام نیسون اخیرا در گفت‌وگویی با مجله رولینگ استون گفته که «به‌موقع سر صحنه حاضر شدن» یکی از ارزشمندترین ویژگی‌هایی است که یک بازیگر می‌تواند داشته باشد.

این بازیگر ۷۳ساله در حال حاضر، نقش اصلی بازسازی فیلم «تنگنک برهنه» از کمپانی پارامونت را در کنار پامالاندرسون بازی کرده. این فیلم کم‌کدی در افتتاحیه خود در گیشه داخلی آمریکا ۱۷ میلیون دلار فروخته است؛ شروعی قابل قبول برای یک فیلم کم‌کدی در بازار سینمای امروز.

نیسون درباره وقت‌شناسی گفت: «این خیلی مهمه. من داستان‌های ناراحت‌کننده‌ای درباره بازیگران مرد و زنی که با استعداد هستن ولی ۴، ۳، ۲ ساعت دیر می‌رسن سر صحنه شدیم. من هیچ‌وقت با چنین آدم‌هایی کار نمی‌کنم. به‌منظرم این کار واقعا توهین‌آمیزه. حدود ۶۰، ۷۰، ۸۰ نفر از عوامل منتظر تو هستن. حداقل ترین کاری که می‌تونی یکنی اینه که بهشون احترام بذاری و به‌موقع حاضر شی.»

از اکشن به کم‌کدی

او از هیچ بازیگری اسم نبرد، اما به‌نظر نمی‌رسد درباره همبازی‌های اخیرش در فیلم «تنگنک برهنه» صحبت کرده باشد. این فیلم کم‌کدی، چرخشی جالب در کارنامه اخیر نیسون ایجاد کرده است.

او در سال‌های اخیر به ستاره فیلم‌های اکشن تبدیل شده بود و حالا در نقش یک کارآگاه دست‌وپا چلفتی پلیس ظاهر شده است.

نیسون که برای جایزه اسکار نیز نامزد شده، تاکنون به ندرت نقش اصلی در فیلم‌های کم‌کدی استودیویی داشته است، اما شاید حالا پایان دوران فیلم‌های اکشنش، مسیر جدیدی برای او باشد. او به مجله ورا اینی گفته که هنوز گه‌گاه پیشنهاد فیلم‌های اکشن دریافت می‌کند، اما دیگر علاقه‌ای به آنها ندارد.

او با لحنی صریح گفت: «من ۷۳سالمه، لعنتی! نمی‌خوام به تماشاگرها توهین کنم؛ اگه قراره به سکانس کامل دعوا رو ببینن و اون من نباشم، اصلا این کار رو نمی‌کنم. تا همین اواخر، خودم دوست داشتم صحنه‌های درگیری رو خودم اجرا کنم. ولی دیگه نمی‌خوام با واکس یا عصا چنین کارهایی بکنم. شاید به پرورژه دیگه باشه، ولی فلا چیز ی قطعی تو برنامه‌ام نیست.»

جشنواره



تجلیل از دیوید لینچ در افتتاحیه لوکارنو

پخش فیلم کوتاه «اتاق ناتمام» در افتتاحیه هفتادوهمستین جشنواره فیلم لوکارنو، ادای احترامی شاعرانه به دیوید لینچ و جهان منحصر‌به‌فرد سینمایی‌اش بود.

در مراسم افتتاحیه هفتادوهمستین جشنواره فیلم لوکارنو در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۴۰۴، فیلم کوتاه «اتاق ناتمام» به‌عنوان ادای احترام به دیوید لینچ، فیلمساز فقید و تأثیرگذار سینمای جهان به‌صورت غافلگیرکننده به نمایش درآمد.

این اثر که توسط دووین دامام، تدوینگر و کارگردان سابقه‌ای و از نزدیک‌ترین همکاران لینچ ساخته شده، با استقبال پرشور حاضران در میدان پیاتزا گراند همراه شد و لحظاتی احساسی و فراموش‌نشدنی رقم زد.

به گزارش فیلم‌زی، جیونا. آنازارو، مدیر هنری جشنواره لوکارنو گفت: «سپه‌م در زیبایی، رؤیاها و هنر هرگز فراموش نخواهد شد. امشب با این شاهکار کوچک و شگفت‌انگیز که توسط دووین دامام تدوین شده، از او تجلیل می‌کنیم.»

فیلم کوتاه An Unfinished Room، با ترکیبی از تصاویر آرشیوی، گفتارهایی از شخص لینچ و صحنه‌هایی از آثار شاخص او مانند فیلم‌های «مرد فیل‌نما»، «مخمل آبی»، «توئین پیکس» و فیلم کوتاه «جک چه کرد؟»، نگاهی شاعرانه و تأمل‌برانگیز به جهان ذهنی و هنری این فیلمساز دارد.

در بخش‌هایی از فیلم، دیوید لینچ درباره نقاشی، موسیقی و فلسفه خلاقانش صحبت می‌کند. تدوین این اثر بر عهده دامام بوده و تهیه‌کنندگی آن را اس‌ای. فاینبرگ و دیوید نگران برعهده داشته‌اند.



عباری از نوابغ سینمایی ایران است

همایون اسعدیان، کارگردان: کیانوش عباری سر صحنه فیلمبرداری بسیار سختگیر است و زمانی‌که با عوامل و بازیگرانش صحبت می‌کنید، اغلب می‌گویند با عباری کار کردن سخت است، اما وقتی فیلم‌های او اکران می‌شود متوجه می‌شوید که یکی از بهترین بازی بازیگران و حضور عوامل در فیلم‌های عباری انجام شده است. / ایسنا

ایران مثل مادر عزیز است

امیر حسین رستمی در برنامه «درجه یک» تلویزیون همشهری

گفت‌وگو گروه ۲۴

فصل جدید برنامه «درجه یک» آغاز شد و بار دیگر مژده لواسانی میزبان چهره‌هایی شد که چهارشنبه‌ها به تلویزیون همشهری می‌آیند. در نخستین قسمت از فصل دوم «درجه یک» امیر حسین رستمی مهمان برنامۀ بود، مهمانی که لواسانی ابتدای برنامه با این توصیفات به استقبالش رفت: «مهمان ما یک بازیگر درجه یک تئاتر، سینما و تلویزیون است، بازیگری که نزدیک ۵۳ه‌ا است در بهترین سطح در حال بازی است. ضمن اینکه در آستانه ۵۰سالگی همچنان سرزنده و پرقدرت است و با اظهار نظرهای صریح و شفافیه که دارد همیشه کنار مردم قرار گرفته و همیشه با مصاحبه‌های تیترویک رسانه‌ها بوده است.» آنچه پیش رو دارید گزیده‌ای از مصاحبه مفصلی است که نسخه تصویری‌اش را می‌توانید در تلویزیون همشهری تماشا کنید.

آشنایی با رامید جوان

شما کشف رامید بودید؟

این یک داستانی دارد. آن موقع اکثر بچه‌های علاقه‌مند به فعالیت هنری مثل من بودند. من دانشگاه رسام هنر تحصیل می‌کردم. در کلاس‌های آقای سمندریان و همینطور پیش استاد عزیز آقای امین تارخ دوره دیدم. همه ما آن سال‌ها تلاش می‌کردیم فیلم کوتاه بسازیم و کار کنیم. یک‌بار به دفتر آقای تخت‌کشیان «آفتاب نگاران» که پایین‌تر از میدان ونک واقع شده بود رفته بودم.

قرار بود کاری آنجا انجام شود. آقای تخت‌کشیان نبود و به منشی‌شان گفتم می‌خواهم کارگردانان را ببینم. خلاصه چند دقیقه‌ای گذشت و گفتند تشریف ببرید به آن اتاق. رفتم به اتاق و دیدم یک آقای به پشت روی تخت افتاده و آقای هم روی من ایستاده که تا مرا دید گفت: جانم؟ گفتم این دوره‌ها را گذرانده‌ام و می‌خواهم کار کنم. گفت خوب الان که خیلی دیراست، شما برو. شماره‌ات را بگذار تا شما تماس می‌گیریم.

این آقا رامید بود؟

نه. درایش با من تماس گرفتند و گفتند از دفتر آفتاب نگاران رنگ می‌زنیم و شما انتخاب شده‌اید. گفتم حتما سرکاری است. دوباره رفتم به دفتر و دوباره به همان اتاق هدایت شدم و همان آقا را دیدم که همان جوری روی تخت افتاده بود. گفت اگر موافقی قرارداد را بنویسیم و با هم کار کنیم. وقتی سرش را برگرداند دیدم این آقا رامید جوان است. بعدها فهمیدم اینطور و لو شدن شیوه تمرکز گرفتن رامید است و آن آقای که روز قبلش با او صحبت کرده بودم مانفرد اسماعیلی بود.

یکی از درجه یک‌ترین برنامه‌ریزها و دستیار کارگردان‌های سینمای ایران.

دقیقا و ما شروع کردیم به کار کردن.

در واقع همه چیز از آن جا شروع شد؟

بله.

طنزترین آدمی که در عمرم دیده‌ام

می‌شود گفت نقطه طلایی شروع

فعالیت‌های شما «شمس‌العماره» بود. نمی‌ترسیدید بعد از کارهای جدی یک دفعه وارد فضای کم‌کدی شوید؟ از شما دور نبود؟

نه. از من دور نبود. خیلی‌ها به من می‌گفتند کار کم‌کدی و این‌را می‌توانی یک جمعی را با گفت‌وگو به وجد بیاوری آکادمیک پیدا گرفت‌های؟ باور‌تان نمی‌شود من این‌را از چه کسی یاد گرفته‌ام.

از کی؟

مسعودخان کیمیایی هیچ‌کس باور نمی‌کند که

مسعودخان کیمیایی که خالق «گوزن‌ها» ست،

خالق «فیصر» و «گروهیان» و «رپای گرگ»

و «سرب» و آن همه فیلم درجه یک تاریخ

سینمای ایران، خودش چه شخصیت طنزی

دارد و چقدر کنارش خوش می‌گذرد. وقتی

از بیرون نگاه می‌کنی همه فکر می‌کنند که

شخصیت جدی و عیسوی دارد. درحالی‌که

مسعودخان کیمیایی طنزترین آدمی است که

در زندگی‌ام دیده‌ام؛ کسی که در زندگی‌ام،

لحظاتی مایه از پرداشته‌ام ایشان بوده

است. هیچ‌کس باورش نمی‌شود وسط

یک درام با یک جمله، جمعی را با خنده

به آتش می‌کشند و مهم‌تر از همه این

است که خودش آن ماجرا را خیلی

جدی بر گرام می‌کنند و من این احساس

را داشتم که چقدر جذاب است آدم

با جدیت بتواند دیگران را بخنداند.

پیش از این فکر نمی‌کردم که روزی در این

زائر کار کنم.

من دغدغه

محیط‌زیست دارم.

دغدغه

کودک‌آزاری دارم

و خیلی مسائل و

موضوعات اجتماعی

دیگر

در اوج جنگ اخیر

موضوعی که خیلی

آزارم داد و حالم را

بد کرد وضعیت

بچه‌های شیرخوارگاه

آمنه بود، بچه‌های

بی‌گناهی که از پدر و

مادر محروم هستند

در موشک باران

تهران اینها چقدر

بی‌پناه بودند. آیا

من نباید به پرسنل

شیرخوارگاه آمنه

بگویم دمتان گرم؟

من واقعا دست‌شان

را می‌بوسم

آیا بازیگر می‌تواند

دغدغه‌مند نباشد؟

مگر می‌شود تو

انسان باشی و

دغدغه نداشته

باشی؟ بازیگر در

مقام انسان وظیفه

دارد که دغدغه

داشته باشد و درد

جامعه را ببیند. اگر

هموطنت گرسنه

باشد و بگویی خب

من که سیرم، من که

مشکلی ندارم دیگر

تو انسان نیستی،

سیب زمینی هستی

از سینمای جدی تا سریال کم‌کدی

سریال «شمس‌العماره» اصلا برای من ژانر را تعریف کرد، چون من از سینمای جدی و تلخ شروع کرده بودم. دنبای «رئیس» دنیای تلخی بود. «خاک آشنا» فیلم تلخی بود. «خاک آشنا» مهاجرت دارد. چندان دارد. رویاهایت را توی یک چمدان بگذار و ببر دارد. جایی برای خنده و شادی توش نیست. همین‌طور فیلم علیرضا امینی «فقط چشم‌هایت را ببند» بر اساس یک ماجرای واقعی ساخته شد. بعد از این فیلم‌ها تلویزیون ژانرم را عوض کرد.

همکاری با کیمیایی و فرمان آرا

خیلی شانس بزرگی است که آدم در همان سال‌های اوش با کسی مثل مسعود کیمیایی کار کند. واقعا کم پیش می‌آید، ولی برای شما پیش آمد، در فیلم «رئیس».

خیلی خوش شانس بودم که وقتی تصمیم گرفتم کار سینمایی را به‌صورت جدی آغاز کنم، با مسعودخان کیمیایی کارم را شروع کردم. خب با آقای کیمیایی قرارداد بستم و در دفتر ایشان آقای را دیدم که در دفتر ایشان قرار داشت. آن موقع ما می‌رقصیم و بعد رفت برای دور خوانی و تمرین فیلم‌نوشت آقای کیمیایی همیشه به فیلمنامه می‌گویند فیلم‌نوشت). آن آقا به من گفت: شما چندسال‌تان است؟ همانی هستی که قرار است در فیلم کیمیایی بازی کنی؟ بعد رفت به اتاق آقای کیمیایی و وقتی بیرون آمد، گفت: من از آقای کیمیایی اجازه گرفتم که شما در فیلم من بازی کنید. گفتم: بعد از فیلم آقای کیمیایی؟ گفت: نه، ما زودتر کلید می‌زنیم. آن آقا علیرضا امینی بود و آن فیلم «فقط چشم‌هایت را ببند» که فیلم خیلی جیبی بود و برای من شد یک زامون فشرده کارگردانی و بازیگری. یک اتفاق خوب آن فیلم آشنایی من با پیمان قاسم‌خانی بود. فیلم «فقط چشم‌هایت را ببند» در جشنواره‌های زیادی رفت، از جمله جشنواره ریو. علیرضا امینی به من گفت: به ریو می‌آیی؟ که من گفتم نه. یک روز به من زنگ زدند. اول علیرضا امینی بود و بعد گوشی را به فرد دیگری داد که او گفت: من جای تو آمده‌ام. جشنواره ریو و خواستم بگویم هر وقت قسمت‌های تو در فیلم به نمایش درمی‌آید، تماشاگران از خنده منفجر می‌شوند. من پیمان قاسم‌خانی هستم و خواستم بگویم وقتی بر گشتم ایران، وقت بگذاریم و با هم دوستی کنیم. اصلا باورم نمی‌شد و از آنجا دوستی من و پیمان آغاز شد. در اواسط کار «رئیس» برای «خاک آشنا» به پهمن فرمان‌آرا قرارداد بستم. مانفرد اسماعیلی رنگ زرد رفتم دفتر آقای فرمان‌آرا و با ایشان صحبت کردم. آقای فرمان‌آرا پرسید: سر فیلم مسعود هستی؟ گفتم بله. گفت: بعدش با کسی قرارداد نبنده، می‌خواهم در فیلم من بازی کنی. با این ۳تا فیلم که هنوز هیچ‌کدام هم نمایش داده نشده بود، حالم خیلی خوب بود.

کار با کارگردان‌های خوب، فیلم‌های خوب و شرایط عالی.

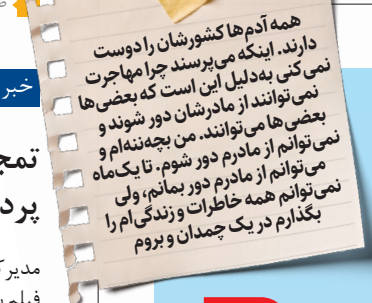
روزی که آقای علی معلم من را به دفترش دعوت کرد گفتم سال‌ها من این مجله را خریدم که بالاخره

وطن مثل مادر عزیز است

وقتی من در باره عشق به وطن می‌پرسم، این جمله، جمله عجیبی است برای من که از کسی بپرسید از عشقت به مادر تو بگو! آدم یک لحظه می‌ماند که این چه سوآلی است. یعنی واقعا نمی‌دانی من باید عاشق مادرم باشم؟ مگر می‌شود عاشق مادر نبود؟! تو ممکن است با مادر بحث کنی، ممکن است کدورت پیش بیاید، ولی مادر، مادر است. لحظه‌ای که با مادر بحث می‌کنی و از خانه‌اش بیرون می‌آیی، با خودت می‌گویی خدای نکرده با این استرس‌ها و ناراحتی‌هایی که برایش ایجاد کردم، فشارش بالا نرود، قندش بالا نرود. نگرانی که حالش بد نشود. حالا هم بحث خاک است. البته گاهی شعارهایی که برای بالا بردن ذوق ملی گرایب داده می‌شود، آزارم می‌دهد. برای هر انسانی روی کره زمین آن کشور مثل مادرش عزیز است. امکان ندارد بروید از یک برنگالی بپرسید اگر به کشورت حمله شود، خوشحال می‌شوی و با ناراحت و پاسخ مثبت بگیرد. گاهی یک جوری تبلیغ می‌شود که انگار فقط ما ایرانی‌ها و وطن پرستیم و کشورمان را دوست داریم. اگر این‌طوری بود که همه نقشه جهان خاک ایران بود. همه آدم‌ها کشورشان را دوست دارند. اینکه می‌پرسند چرا مهاجرت نمی‌کنی به دلیل این است که بعضی‌ها نمی‌توانند از مادرشان دور شوند و بعضی‌ها می‌توانند. من بچه‌نهام آدم نمی‌توانم از مادرم دور شوم. تا یک‌ماه می‌توانم از مادرم دور بمانم، ولی نمی‌توانم همه خاطرات و زندگی‌ام را بگذارم در یک چمدان و بروم.



صفحه ۴۸ | بهروز قلی‌پور



تمجید از فعالیت پردیس سینمایی باغ کتاب



مدیر کل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش فیلم سازمان سینمایی با حضور در پردیس سینمایی باغ کتاب، ضمن بازدید از تلاش‌های ایسن مجموعه در جذب مخاطب قدردانی کرد.

به گزارش روابط عمومی مؤسسه تصویر شهر، میثم زندی در سخنانی گفت: پردیس سینمایی باغ کتاب در ایام جنگ ۱۲روزه فعال بود و بعد از آن هم رتبه بالایی فروش و جذب مخاطب داشته است که جای تقدیر دارد.

او ادامه داد: با برنامه‌ریزی درست و احترام به مخاطب می‌توان در جذب تماشاگر موفق بود. خوشبختانه با ارائه سرویس مناسب این اتفاق در پردیس سینمایی باغ کتاب که یک مجموعه کاملا فرهنگی است، افتاده و استقبال از فیلم‌های اجتماعی در این پردیس نشان از غالب بودن فضای فرهنگی آن دارد.

زندی همچنین در تماس تلفنی با مریم پیرکاری، مدیر عامل مؤسسه تصویر شهر از تلاش‌های او در ارتقای پردیس‌های شهرداری تهران به‌ویژه پردیس سینمایی باغ کتاب قدردانی کرد.

محمد خانی رئیس گروه نظارت بر عرضه و نمایش فیلم و مهدی محمد بیگی دبیر شورای پروانه نمایش فیلم، زندی را در این دیدار همراهی کردند.

پردیس سینمایی باغ کتاب در مردادماه به بیشترین تعداد مخاطب و فروش در دوران فعالیت خود دست پیدا کرد.

اکران

«رؤیا شهر» پر فروش ترین فیلم کودک تابستانه سینما

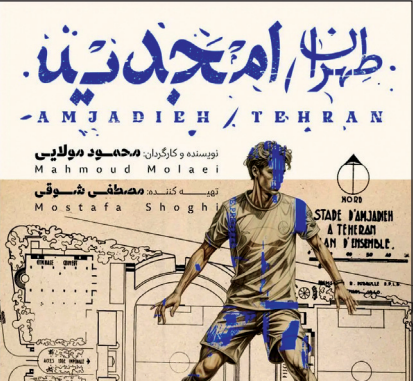


فروش انیمیشن سینمایی «رؤیا شهر» به کارگردانی محسن عنایتی از مرز ۲۰میلیارد تومان عبور کرد. با گذشت ۳ماه از اکران عمومی انیمیشن ماجراجویانه «رؤیا شهر» به کارگردانی محسن عنایتی و تهیه‌کنندگی مصطفی حسن آبادی، این اثر با جذب بیش از ۳۱۵هزار مخاطب، فروشی ۲۰میلیاردی در گیشه رقم زد. این انیمیشن سینمایی به‌عنوان تنها نماینده سینمای کودک و نوجوان در زمان جنگ تحمیلی ۱۲روزه و پس از آن توانست روند فروش خود را حفظ و مخاطبانش را راضی نگه دارد. «رؤیا شهر» که ۱۳درجه‌بشت با شعار «شهر رؤیاها تو بساز» روی پرده سینماهای سراسر کشور رفته است و پر فروش‌ترین فیلم کودک سینماها در ۳ماه اخیر محسوب می‌شود.

مدیریت دوبلاژ «رؤیا شهر» برعهده امیر هوشنگ زند بوده است و میرطاهر مظلومی، زنده‌یاد منوچهر والی‌زاده، منوچهر زنددل، نگین کیانفر، اردشیر منظم، لیلا کوهسار، آرزو آفری و ارسلان جولایی از صدایپیشگان آن هستند.

مستند

«طهران – امجدیه» در بازار فیلم بارسلون



مستند «طهران – امجدیه» تولید خانه مستند به کارگردانی محمود مولایی و تهیه‌کنندگی مصطفی شسوفی در بازار جهانی فیلم دمیدم که یکی از مارک‌های سینمایی محبوب اروپاست حضور خواهد داشت.

این بازار فیلم محل مناسبی برای شبکه‌سازی تهیه‌کنندگان سینمای مستند است که راه را برای عرضه فرهنگی و تجاری و تولید مشترک تسهیل می‌کند.

مستند «طهران – امجدیه» درباره سرگذشت ورزشگاه امجدیه (شهید شیری) به‌عنوان نخستین ورزش‌رزشگاه مدرن کشور است که تاکنون محل اتفاقات تاریخی و فراز و نشیب‌های بسیاری بوده است.